مجلهٔ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت
شمارهٔ پیاپی ۷۰، بهار و تابستان، سال۱۴۰۲
Journal of research on Issues of Education
مقاله علمی پژوهشی
http://isoedmag.ir
Research Article

عنوان: فراتحلیلی بر مطالعات آموزش شغلی (کارآفرینانه) با تأکید بر مهارت‌های کارآفرینانه در ایران

زهرا محمدیان*[۱]، حسین عبدالهی[۲]، علی دلاور[۳]، کمال سخدریان[۴]

چکیده

بیکاری نوجوان و جوانان و پیامدهای اجتماعی ناشی از آن در شرایط بحرانی کشور،آموزش شغلی کارآفرینانه را به عنوان یک موضوع مهم مطالعاتی، موردنظر پژوهشگران رشته های مختلف قرار داده است. هدف این پژوهش ارزیابی تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در حوزه آمورش کارآفرینانه در ایران است. این پژوهش برای اولین بار در ایران به شیوه فرا تحلیل انجام گرفت. هدف پژوهش حاضر، شناسایی روندهای حاکم و محتوای پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینی، ارزیابی روش شناسی این پژوهش ها و تبیین چشم اندازی برای ارتقاء پژوهش های این حوزه است برای دستیابی به این اهداف، ۳۵ مقاله علمی- پژوهشی در زمینه آموزش شغلی کارآفرینی در حوزه رویکردهای کارآفرینانه در کشورمان با استفاده از روش فراتحلیل در شش گام بررسی شدند. یافته های پژوهش در چهار بخش سیمای کلی پژوهش های پیشین، یافته های مرتبط با روش شناسی پژوهش ها و یافته های رویکرد پژوهی، تبیین شده توزیع جغرافیایی پژوهش ها و در انتها، راه کارها و توصیه هایی ارائه شدند. یافته های تحقیق حاکی از آن است که تمرکز پژوهش ها بر برنامه ها و الگوهای کاربردی محدود بوده و بیشتر از منظر روش شناختی و محتوایی مورد بررسی قرار گرفته اند. پژوهش ها بیشتر جنبه نظری داشته و برنامه های آموزشی و راهکارهای عملیاتی ارائه نداده اند. آموزش کاربردی کارآفرینی از طریق بومی سازی برنامه های شغلی کارآفرینی در سطوح نگرشی، راهبردی و عملیاتی کشورهای توسعه یافته مانند آلمان می تواند شاه کلید و راهکار اجرایی در زمینه کارآفرینی باشد.

اطلاعات مربوط به مقاله

کلید واژگان
فراتحلیل، آموزش شغلی، کارآفرینی، آموزش شغلی کارآفرینانه، آموزش و پرورش.

[۱]. دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایرانmohamadian.net@gmail.com
[۲]. دانشیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایرانHosein_Abd@hotmail.com
[۳]. استاد ممتاز گروه مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایرانDelavarali@yahoo.com
[۴]. دانشیار گروه کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران.kasakhdari@ut.ac.ir

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

مقدمه

یکی از مهم ترین اهداف برای آموزش کارآفرینی در مدارس، دانشگاه ها و کارگاه ها، باریک شدن شکاف بین توانایی های عملی و مهارت های کارآفرینانه افراد می باشد. برنامه هایی که می توانند به ترویج و درک درستی از کارآفرینی بپردازند. همچنین این آموزش ها و مهارت ها می توانند استعداد افراد را فعال کرده و سطح آگاهی های آنان را برای انتخاب شغل در آینده افزایش دهند. (اکبری، ۱۳۹۰).

اکت و ژرب (۲۰۱۶) پیشنهاد کردند که کارآفرینی باید از طریق آموزش های قبل از دوران دانشگاهی دنبال شود تا به عنوان یک مسیر شغلی مناسب مورد تشویق قرار گیرد. از این رو مراکز آموزشی ما باید بتوانند، با هدف آگاه نمودن و ترویج فرهنگ روحیه کارآفرینی در بین دانش آموزان، دانشجویان و داوطلبین شغل به وسیله برنامه های آموزشی ویژه از قبیل خلاقیت، توانایی شناخت و استفاده صحیح از فرصت ها، تمایل به مخاطره پذیری، استقلال و تعهد نسبت به کار و حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفرین شدن ارائه دهند. بهسازی و ارتقای سطح توانمندی های انسان ها و نظام اجتماعی از سیاست های اصلی و ماموریت های بایسته و شایسته یک نظام کارآمد و پویا محسوب می شود، همه بر این باورند که بزرگ ترین سرمایه هر کشور افراد جامعه می باشند و در واقع جوانان هر جامعه مهم ترین عامل دستیابی به اهداف آن جامعه به شمار می روند، در این میان نقش محیط آموزشی و برنامه های آموزشی شغلی در مدارس و دانشگاه ها غیر قابل انکار است (خاتمی و شاه حسینی،۱۳۹۱)..

ارگان آموزش و پرورش به عنوان مهم ترین نهاد آموزشی کشور، با تدوین راهبردها، خط مشی ها و برنامه های عملی- آموزشی به منظور ایجاد و گسترش مهارتها و رفتار کارآفرینانه و ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت کارآفرینان در بازارکار، به دنبال رفع موانع و ایجاد ارتباط و همکاری بین بخش های عرضه مهارت و بازار کار بوده است و برنامه های آموزشی و شغلی لازم را برای شروع فعالیت کارآفرینان فراهم کرده است (لندستروم و همکاران، ۲۰۱۷).

در ایران نیز با وجود اهمیت آموزش کارآفرینی در توسعه کشور، توجه سیاست گذاران به مقوله کارآفرینی عمری کوتاه دارد و از همین رو، ابزارها و سیاست های آموزش کارآفرینی آنگونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته اند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵). به تبعیت از آن، دانش آموزش شغلی کارآفرینانه نیز سابقه چندانی ندارد. هر چند در سالیان اخیر، توجه پژوهشگران به پژوهش در موضوعات مختلف مرتبط با آموزش کارآفرینی نشان از رشد تلاش های علمی پژوهشگران در این حوزه داشته است. علی رغم پژوهش های انجام شده، عدم تدوین و طراحی یک الگو یا برنامه مدون آموزش شغلی کارآفرینانه و پژوهش های پراکنده در این حوزه، برآیندهای متفاوتی در نوع مهارتها، سطوح آموزشی، ابزارهای آموزشی، بازیگران حوزه آموزش کارآفرینی، مخاطبان آموزش کارآفرینی ایجاد کرده است. در این شرایط، توجه و دقت نظر نسبت به عملکرد عرصه دانش و پژوهشی آموزش و پرورش عمدتا در موضوع برشماری و احصاء مهارتها و مولفه های آموزش شغلی کارآفرینانه در این حوزه، مسأله اساسی است. با جستجویی در پژوهش های انجام گرفته در حوزه آموزش شغلی کارآفرینی می توان نتیجه گرفت که تمرکز و هسته اصلی این پژوهش ها، بر یافتن پاسخ به پرسش هایی بوده است که احصاء و شناسایی مولفه ها و مهارتهای آموزش شغلی کارآفرینانه در این پژوهش ها را در بر داشته است. در این پژوهش سعی بر آن است تا با داشتن چشم اندازی بر این پژوهش ها به مواردی این چنین بپردازد.

- بررسی روند حاکم بر فرایند آموزش شغلی کارآفرینانه پیش و پس از انقلاب در آموزش و پرورش کشورمان.
- بررسی محتوای برنامه های آموزش شغلی کارآفرینانه مورد توجه پژوهشگران.
- بررسی روش شناسی، راهبردها و ابزارهای پژوهشی در این پژوهش ها.
- بررسی نوع دانش و الگوهای تولیدی در این حوزه.
- ارائه پیشنهادهای بهبود و محدودیت های حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه.

برای بررسی این مقولات، پژوهش های مرتبط با آموزش شغلی و حرفه ای و کارآفرینی در کشورمان مورد مطالعه و مبنا قرار داده شد. و با استفاده از روش فراتحلیل و مرور سیستماتیک متون پژوهشی، روندها، محتوا، روش شناسی و دانش موجود بررسی و ارزیابی شده و در انتها نتیجه گیری و توصیه ها ارائه شد.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

مبانی نظری

انتخاب های شغلی از مهم ترین تصمیم گیری هایی اند که مردم در طول زندگی اتخاذ می کننـد (آتاناسـو و وان اسـبورک، ۲۰۱۸). مهم ترین نهاد اجتماعی که به انتخاب های صحیح شغلی افراد کمک شایانی می کند نهاد آموزش و پرورش است. ایـن نهـاد مسـئولیت مهمی در تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بر عهده دارد. امروزه آموزش و پرورش بیشتر به شکل رسمی و سـازمان یافتـه جریـان دارد (پیراسته، ۱۳۹۴) و از این نهاد رسمی انتظار می رود پاسخگوی نیازهای جهان امروز ازجمله تورم، بیکاری، عدم توسعه یـافتگی شـغلی و حرفه ای و دیگر عوامل بازار کار و مارکتینگ باشد تا فارغ التحصیلان دبیرستان ها ،دانشگاه ها و آموزشگاه هـا بعـد از فـارغ التحصـیلی، توانمندیها و مهارتهای لازم را جهت احراز شغل مناسب با مهارت ها، و توانمندی های کارافرینانه داشته باشند و بتوانند شغلی بیابند و یـا بیافرینند.

از مسایل دوره متوسطه در حوزه آموزش و کارآفرینی، ضعف جنبه های کاربردی و عملی برنامه های این دوره است. کـه بـا اجـرای طرح های گوناگون ناموفق مانده است. برخلاف دیدگاه اجتماعی گذشته و موجود، این دوره نباید صرفا مقدمه تحصیلات عالی تلقی شـود، بلکه باید به گونه ای طراحی شود که پس از این مقطع تحصیلی، درصد متناسبی از فارغ التحصیلان، بتواننـد روانـه بـازار کـار و اشـتغال شوند. این امر زمانی میسر خواهد شد که بیش از پیش دانش آموزان با واقعیتهای ملموس دنیای اشتغال و با فعالیـت هـای کارفرینانـه و مولد در برنامه های آموزشی آشنا شوند و آموزش های شغلی لازم را ببینند. (آقامحمدی، ۱۳۹۸ از طرفی دانش آموزان متوسـطه نظـری، هنگام فراغت از تحصیل دیپلم ممکن است، قصد ادامه تحصیل در دانشگاه را نداشته و درصدد یافتن شغل باشد کـه البتـه و نسـبت بـه دانش آموزان رشته فنی و حرفه ای، مهارتها و آموزشهای لازم در خصوص فعالیت های موفق اشتغال یا کارآفرینی را نیز جهـت ورود بـه بازار کار در مدارس را نیاموخته اند (چهاربند، ۱۳۹۱). بنابراین متخصصان آموزشی نیاز به یک برنامه جامع آموزش شغلی مبتنی بر مولفـه های کارآفرینانه را دو چندان دریافته اند. اگرچه در دو دهه گذشته تحولات قابل توجهی در ساختار و عملکرد سیستم آموزشی متوسـطه و دانشگاهی ایران صورت گرفته است، و موضوع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور ما نیز مطرح شده اسـت؛ ولـی نتـایج مطالعات نشان می دهد که هنوز مشکلات زیادی در آموزش کارآفرینی وجود دارد. (حقیقی، محمودی و بیژنی، ۲۰۱۸). و در حوزه برنامـه اموزشی، مولفه ها ی کارآفرینی دانش آموزان، پژوهش های متنوع و پراکنده ای انجام شده است که حـوزه هـای آمـوزش کـارآفرینی و مهارتهای کارآفرینی را مورد بررسی قرار داده اند. در اینجا فراتحلیلی مروری بر آنچه که گریزی بر جنبه هـای مختلـف آمـوزش شـغلی، مهارتها و مولفه های کارآفرینی است انجام خواهد شد.

برای اولین بار کارآفرینی[1] در تئوری های اقتصاد و سپس در مدارس مطرح شد (مرتضوی و بهرامی، ۲۰۱۲). از نظر حکمت انـدیش (۱۳۹۳) کارآفرینی فرآیند خلق چیز جدید و ارزشمندی است که با اختصاص زمان و تلاش لازم و درنظر گرفتن مخاطرات مـالی، روانـی و اجتماعی و با ارضای نیازهای فردی و مالی توأم با استقلال تحقق می یابد. بر اساس نتایج مطالعه پترونیت و البیناتی[2] (۲۰۱۹) می تـوان به چنین واقعیتی اذعان داشت که کارآفرینی به عنوان یک زمینه تحقیقاتی پویا به سرعت در حال رشد بوده و دارای سنت فکری دیرینـه ای می باشد که کارآفرینی را با نوآوری، رشد اقتصادی، ریسک و عدم اطمینان همراه دانسته اند.

آموزش کارآفرینی فرآیندی برای آماده کردن دانش آموزان و افراد با توانایی شناخت فرصت های تجـاری، عـزت نفـس، انگیـزه، دانش، مهارت و بینش برای عمل کردن در آنهاست تا در محیط های مختلف، نگرش کارآفرینانه آنها را تقویت کنـد (اولوگبولـا[3]،۲۰۱۷). امروزه آموزش کارآفرینی در سطح جهانی به عنوان نوعی ابتکار عمل جمعی در دانشـگاه هـا، دانشـکده هـا، مـدارس فنـی و حرفـه ای، دبیرستان ها و مدارس ابتدایی توصیف می گردد که همگی جهت توسعه ظرفیت کارآفرینانه دانش آموزان هدف گذاری می شوند (جـونز، ۲۰۱۹).

تا نیمه دوم قرن۱۹ مفهوم کارآفرینی با ریسک پذیری و اشتغال عوامل تولید همراه بود. اما پس از پایان قرن ۱۹ و در آغـاز قـرن ۲۰ درک این مفهوم تا حد زیادی گسترش یافت. یک کارآفرین یک مدیر کسب و کار با توانایی هـای ویـژه و یـک شخصـیت خـالق و

[1]. Entrepreneurship
[2]. Petronyte & Ulbinaite
[3]. Olugbola

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

مبتکر است. ابتکار عمل نیروی محرکه تولید است که با تلاش درگیر و توانایی کارآفرین انجام می‌شود و منجر به سود و ضرر می‌گردد. از لحاظ تاریخی مفهوم کارآفرینی اساسا رشد کرده است. به گفته مارشال[1] توانایی‌های خاص یک فرد در اجرای یک کسب و کار، که از پدر و مادر خود به ارث برده، گرفته می‌شود (بیکسا، ۲۰۱۴).

علی رغم اینکه در کشورهای پیشرفته دنیا از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد به موضوع کارآفرینی توجه جدی شده و حتی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه هم از اواخر دهه ۱۹۸۰ این موضوع را مورد توجه قرار داده اند، در کشور ایران تا شروع اجرای برنامه سوم توسعه، توجه چندانی به کارآفرینی نشده بود. حتی در محافل علمی و دانشگاهی نیز به جز موارد بسیار نادر، فعالیتی در این زمینه صورت نگرفته بود. مشکل بیکاری و پیش‌بینی حادتر شدن آن در دهه ۱۳۸۰ موجب شد که در زمان تدوین برنامه سوم توسعه، موضوع توسعه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. در برنامه اخیر، توسعه کارآفرینی در سطح وزارت خانه های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و فلزات و همچنین مؤسسه جهاد دانشگاهی به دلیل ارتباط با فعالیت های آنها، مطرح شده است. متأسفانه واژه کارآفرینی موجب شد که معنی ایجاد کار و یا اشتغال زایی از این واژه استنباط شود.

کارآفرینی مفهومی وسیع‌تر و با ارزش‌تر از اشتغال‌زایی دارد. ربط دادن کارآفرینی به اشتغال‌زایی و همچنین تورم نیروی انسانی بیکار در جامعه (به ویژه در بین دانش‌آموختگان)، موجب شده بسیاری از سیاست‌هایی که برای توسعه آن اتخاذ شده و نیز در بخشنامه‌ها و سخنرانی‌های مسئولان در این خصوص، صرفاً جنبه اشتغال‌زایی برای آن در نظر گرفته شود. در حالی که کارآفرینی دارای پیامدهای مثبت و مهم دیگری مانند: بارور شدن خلاقیت‌ها، ترغیب به نوآوری و توسعه آن، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد و توسعه تکنولوژی، تولید ثروت در جامعه و افزایش رفاه عمومی است و در صورتی که فقط به جنبه اشتغال‌زایی آن توجه شود، از سایر پیامدهای آن بی بهره خواهیم ماند (احمدپور داریانی،۱۳۹۳).

آموزش شغلی کارآفرینانه، می تواند کارآفرینی را به عنوان ایجاد کننده یک جایگاه شغلی پایدار در آینده شغلی افراد تبیین کند و فرهنگ کارآفرینی را در میان آنان توسعه دهد (کرکلای[2]، ۲۰۱۷). اگرچه در دو دهه گذشته تحولات قابل توجهی در ساختار و عملکرد سیستم آموزشی ایران صورت گرفته است، و موضوع آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور ما نیز مطرح شد؛ ولی نتایج مطالعات نشان می دهد که هنوز مشکلات زیادی در آموزش کارآفرینی وجود دارد از جمله: پایین بودن میزان سرمایه گذاری برای آموزش کارآفرینی، عدم توجه به ابعاد مختلف توسعه و آموزش کارآفرینی، توجه کم به آموزش عملی، عدم تطابق محتوای برنامه های درسی با شرایط و نیازهای بازار کار و همچنین عدم توانایی در ایجاد کار به وسیله فارغ التحصیلان (حقیقی، محمودی و بیژنی، ۲۰۱۸). لذا درباره شکاف بین توانایی های عملی و مهارت های کارآفرینی افراد، توجه به این نکته ضروری است که به صرف گذراندن دوره های آموزش کارآفرینی، فرد مهارت های شغلی کارآفرینانه را کسب نخواهد کرد و یک کارآفرین نخواهد شد، بلکه باید مولفه ها و مهارتهای کارآفرینانه به کسب و کار نیز داشته باشد.. (شوال،،۲۰۱۴).

آموزش شغلی در ایران، تاکنون فراز و نشیب هایی داشته است که با نگاهی گذرا به آن میتوان سیر تحول آن را بررسی کرد. اولین برنامه جدی آموزش شغلی با کنفرانس ملی کار قبل در سال ۱۳۳۸ شروع شد که به مسئله افزایش فرصت های شغلی، آموزش مهارتهای اولیه شغلی و شرایط مناسب برای اشتغال بیشتر و کاهش بیکاری در جامعه، توجه شده بود. (سلجوقی،۱۳۹۲) .و در سال ۱۳۶۰ با عنوان طرح تلفیق کار و دانش و اندیشه پیوند «علم و عمل» مجددا جهت آموزش شغلی مطرح شد که نخستین گام برای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش بود ولی به دلایلی طرح مناسب نبود و لغو شد. (طرح کاد، ۱۳۶۳)، بعد از تعطیلی طرح کاد، با تغییر نام اصلاحاتی در آن انجام شد و به نام «طرح کاج» در سال ۱۳۸۹، تغییر یافت که با هدف آموزش مباحث کارآفرینی پیش از انتخاب رشته دانشگاهی به دانش آموزان در تهران اجرا شد. این طرح برای دانش آموزان دوره دوم متوسطه بود و دانش آموزان در طول این دوره ها با مفاهیم کارآفرینی و

[1]. Marshal

[2]. Kirkley

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

کسب و کار، خلاقیت و شناخت فرصت، نوشتن طرح کسب و کار در شش رشته آشنا می شوند. (مرادی، ۱۳۹۰). با تکمیل طرح ها ی قبلی، طرح کاشف و طرح اتاق کارآفرینی مدارس بوجود امدند که این دو نیز نتوانستند کاستی های آموزش شغلی در راستای یافتن مهارتهای و مولفه های کارافرینانه را مرتفع طرح حهایی که همچنان نتوانستند ، پلی بین مدرسه ها، کارفرمایان و محیط کار ایجاد کنند و عملا تاکنون روی کاغذ باقی مانده و اجرایی نشده اند. که البته این ناشی از اختلال در تعامل میان سه ضلع مثلث سیاست، پژوهش، و عملکرد حرفه‌ای بوده و ایجاد توانایی و مهارت دانش آموختگان در کارآفرینی و کارجویی را ناکام گذاشته است.

در تاریخچه آموزش شغلی، آموزش و تربیت شغلی [۱] همیشه بعنوان یک راه حل، برای ارتقاء فرصتهای شغلی جوانان بیکاری که در داشتن مهارت و توانمندی و انگیزه برای یافتن یا ادامه شغل، کمبود داشته اند، محسوب می شده است. (زیمرمن، ۲۰۱۳). از طرف دیگر، سازمانها برای تجدید ساختار خود، ایجاد فرایندهای جدید، تطابق با تغییرات محیطی و فرایندهایی که ساختارها و محصولات رابروز نگه دارد، نیاز به افراد ماهر و نیمه ماهر دارد و اگر نتواند چنین افرادی را استخدام کنند بعد از مدتی به حالت سکون و عدم تعادل برگشت داده و در نهایت قادر به ادامه حیات خود نخواهد شد. به دلیل اهمیت داشتن این پدیده، بیشترین توجه ها و تلاش ها بر این است که کارافرینی و اشتغال همچنان بعنوان موضوعات اصلی در برنامه شغلی مدارس و سازمانها گنجانده شود، زیرا این دو، افراد را برای داشتن شغل خود بعد از اتمام تحصیلات و گسترش دانش و توانایی خود در خصوص شغل آینده تحریک خواهد کرد. (ساسکیا، ۲۰۰۸). همینطور آموزش های شغلی نقش مهمی در بهبود سرمایه انسانی و ترسیم مسیر برای کشورها بازی می کنند. در کشورهای درحال توسعه، آموزش های شغلی یکی از بخش های آموزشی است که اولویت بسیار کمتری در فرمول بندی سیاستی، تأمین بودجه و نظارت نسبت به سایر بخش ها مانند آموزش پایه به آن داده شده است فوتی و مافسا (۲۰۰۷)، که اشاره کرد که آموزش و کاراموزی شغلی نقش مهمی در نواروری سازمانی و معرفی نواوری جدید دارد.

روش‌شناسی تحقیق

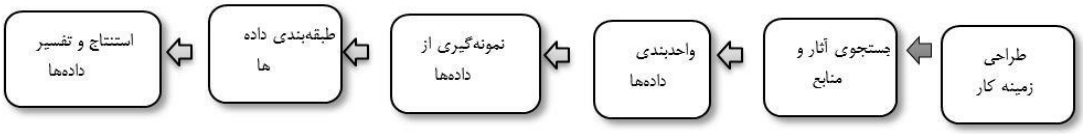
روش پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل است. در این پژوهش ابتدا با استفاده از کلید واژه های کارآفرینی، برنامه شغلی، خلاقیت، شغل، آموزش شغلی، کارآفرین و نظیر اینها در پایگاه های اطلاعاتی داخلی و خارجی آی اس سی، پاب مد، سایک اینفو ،گوگل اسکالر، اریک، مدلاین، ای اس ایی، اس آی دی ، مگ ایران، ایران داک، ایران مدکس ، ایران سایک"، ریک، ایراست ۱۲، سایک آرتیکلز ، اس سی آی /اس سی آی ها و موتورهای جستجوی گوناگون به یافتن و جمع آوری تمام مقاله های منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی، خلاصه مقالات همایش ها، نتایج پژوهش های کشوری و استانی، پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری که به بررسی آموزش شغلی وکارآفرینی در ایران پرداخته بودند اقدام شد.. همچنین برای یافتن پایان نامه های کارشناسی ارشد، دکتری و دکترای حرفه ای که گزارش پژوهشی آنها به صورت مقاله چاپ نشده بود به دانشگاهها و مؤسسه های آموزش عالی مراجعه شد. بدین ترتیب تمامی پژوهش های انجام شده در فاصله ی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ گرد آوری شدند.

در این تحقیق از روش فراتحلیل استفاده شده است. هدف فراتحلیل، ایجاد پیوستگی و انسجام بین نتایج پژوهش های مختلف در یک زمینه خاص است. در این روش با ترکیب پژوهش های پیشین و یکدست سازی آنها با استفاده از روش های آماری، نتایج براکنده و ناهماهنگ این پژوهش ها دقیقتر و منطقی تر می گردد. (سکستون؛ ۲۰۰۶ به نقل از نادری، ۱۳۹۶). در روش فراتحلیل همانند روش های هرمنوتیک، پدیدار شناختی و توجه به نگاه تفسیری–تحلیلی و مفاهیم، حائز اهمیت است. عموما فراتحلیل را به عنوان روشی کمی می شناسند اما رویکرد کیفی به فراتحلیل و نمایان سازی مولفه ها و مفاهیم محتوایی مسئله مورد پژوهش، قابلیت قرار گرفتن این روش در زمره روش های کیفی را دارد (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵). بنابراین پژوهش حاضر، از نوع پژوهش های کیفی است که هدف آن، ترکیب نتایج مطالعات انجام شده و به دست آوردن نتایج جدید است. همچنانکه به نظر شان (۲۰۰۸) هدف اصلی فراتحلیل، تفسیر داده ها برای توسعه مفاهیم و شناسایی تم های مهم تحقیقات پیشین است.

[۱].Occupational education and training

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

در این پژوهش از فرآیند فراتحلیل که توسط کریپندورف تدوین شده، استفاده شده است. در این فرآیند، در گام اول، زمینه کار (تعیین محبط پژوهش و متدولوژی) طراحی شده، سپس در گام دوم، آثار و منابع جست وجو می شوند. در گام سوم محقق به واحد بندی داده ها (مضامین، پیام های مهم، واژگان و ...) می پردازد و در گام چهارم، نمونه گیری از داده ها (نکات مهم متن) انجام شده و داده هـای لـازم برای گام پنجم به منظور تقلیل داده ها و تنزل آنها به چند گونه طبقه استخراج می شوند. در گام پایـانی نیـز اسـتنتاج و تفسـیر داده هـا صورت می گیرد.



شکل ۱. فرایند پیش بینی شده برای انجام تحقیق با روش فراتحلیل (کریپندروف. ۲۰۰۳)

برای اجرای فرآیند مذکور، ابتدا زمینه کار با بررسی ادبیات موضوع در حوزه آموزش شغلی کار آفرینانه از طریق مطالعه اسناد آغاز شد و با تکیه بر مفاهیم نظری مرتبط، آثار و منابع مرتبط جست و جو و بررسی شدند. برای فراتحلیل مطالعات آموزش شـغلی کارآفرینانـه در ایران، ۳۵ پژوهش های منتشر شده در قالب مقالات گردآوری شدند.

نمونه گیری به صورت تمام شماری انجام شده و در مجموع ۳۵ مقاله که ارتباط مستقیمی با موضوع داشتند، شناسایی، کدگـذاری و تحلیل شدند. در این پژوهش محقق از رویکرد فراتحلیل استقرایی (حرکت از جزء به کل) برای ساماندهی داده ها استفاده کـرده اسـت. برای تقلیل داده ها و طبقه بندی آنها، چارچوب تحلیلی در سه محور کلی (یافته هـای توصـیفی، یافتـه هـای مـرتبط بـا روش شناسـی پژوهش ها و یافته های رویکردی) و در مجموع در قالب ۲۵ مقوله تحلیلـی، طراحـی شـد. در نهایـت، داده هـای پـژوهش در فرآینـدی اکتشافی، تحلیل و تفسیر شده و نتایج ارائه شدند.

اعتبار سنجی (روایی و پایایی این پژوهش از حیث روش تحقیق و نتایج حاصل شده به روش های متعددی بررسی شد. نخست آنکه در انتخاب آثار، طیف وسیعی از یافته های مطالعات قبلی در کانون توجه قرار گرفت نه طیف محدودی از آنها. بدین نحو کـه در مقالـات، ترکیبی از نظرها و دیدگاه های مختلف، ملاحظه و وارد آثار منتخب شد و فهرست آثار انتخاب شده از نظر علمی بودن، بررسی و آثار غیر مهم یا ژورنالیستی و ضعیف حذف شدند. همچنین از آنجا که در این پژوهش اجزاء و عناصـر پیشـنهادی در تحقیقـات پیشـین تحلیـل و تفسیر شده است، بنابراین استفاده از نتایج تحقیقات پیشین که روایی آنها قبلا تایید شده است، خود به روایی بیشتر منجر می گردد.

برای تامین پایایی یافته های تحقیق، وجود یک طرح اجرایی و روش نظام مند برای تحقیقات کیفی، تا حد زیادی مشکلات ناشـی از عدم پایایی یافته ها را کاهش می دهد. طرح اجرایی، تدبیر یا شیوه اجرایـی بـرای بالـابردن درجـه پایـایی اسـت و هـدف آن، هـدایت و راهنمایی پژوهشگر در طول تحقیق است (فایول،۲۰۱۳) از آنجا که فرآیند پیش بینی برای انجام این پژوهش، گـام هـای مشـخص و از پیش تعیین شده ای داشته است، به صورتی کاملا نظام مند و ساختار یافته اجرا شـده و در تمـامی مراحـل از روشـی مکتـوب و منسـجم استفاده شده است. بنابراین پایایی لازم برای نتایج محقق گشته است. همچنین خود بازبینی پژوهشگر در فرآیند گـردآوری و تحلیـل داده ها، از دیگر روش ها برای افزایش قابلیت پایایی پژوهش است (اکت،۲۰۱۶). در گام های مختلف تحقیق این موضوع حمایت شده است.

یافته‌ها و تجزیه وتحلیل داده‌ها

یافته های این پژوهش جهت ارزیابی فراتحلیل مطالعات آموزش شغلی کارآفرینانه در ایران در قالب سه بخش به تفکیک ارائه شـده است. همچنین در هر یک از بخش ها، نحوه تحلیل، ارزیابی و دسته بندی مطالب به تفصیل تشریح شده است.

الف: یافته های توصیفی (سیمای کلی پژوهش های پیشین)

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

موضوع اول، به ارائه یافته های توصیفی اختصاص دارد. در این بخش، محتوای عمومی و اطلاعات کلی پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر سال انجام پژوهش، محورهای موضوعی و ... بررسی شدند که نتایج آن به شرح جداول ۱ و ۲ و شکل ۲ است.

جدول۱. توزیع وضعیت آثار بر حسب سال انجام پژوهش، جنسیت و تعداد پژوهش گران

سال پژوهش	فراوانی	درصد	جنسیت	فراوانی	درصد	تعداد محقق	فراوانی	درصد
۱۳۸۸-۱۳۹۰	۲	٪ ۶	زن	۳	٪ ۹	فردی	۷	٪۲۰
۱۳۹۱-۱۳۹۶	۱۸	٪ ۵۲	مرد	۱۵	٪۴۳	دو نفر	۹	٪۲۵
						سه نفر	۱۰	٪۲۸
۱۳۹۷-۱۴۰۱	۱۵	٪۴۲	ترکیبی	۱۷	٪۴۸	چهار نفر و بیشتر	۹	٪۲۵
جمع کل	۳۵	٪۱۰۰	جمع کل	۳۵	٪۱۰۰	جمع کل	۳۵	٪۱۰۰

آنگونه که از جدول ۱ مشخص است، تا پیش از سال ۱۳۸۸ مقاله ای در حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی به صورت رسمی و در مجله معتبر، چاپ و منتشر نشده است و بیشتر پژوهش های این حوزه در سالیان اخیر انجام شده است. این روند رو به رشد، نشان از درک اهمیت موضوع آموزش شغلی و کارآفرینی در سال های اخیر دارد. ضمن آنکه تاکنون، برنامه های متعددی از سوی نهادهای مختلف و آموزش و پرورش برای کار آفرینی در کشور، تنظیم و ابلاغ شده و نیاز به پژوهش هایی برای ارزیابی و تحلیل این آموزش ها بیش از قبل احساس می شود.

از نظر جنسیت پژوهشگران، جدول ۱ گویای حضور بسیار کمتر زنان در این عرصه پژوهشی است. و همچنین در انجام این پژوهش ها، تحقیقات گروهی بیشتر به چشم می خورد و تنها ۲۰ درصد از تحقیقات به صورت فردی انجام شده است که منطبق با ماهیت مشارکتی پژوهش و تحقیق در حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی است.

موضوع دوم، حوزه تخصصی پژوهش گران و محققین حوزه آموزش شغلی و کارآفرینی است. از منظر نویسندگان آثار، پژوهش گران رشته مدیریت آموزشی (زیرگرایش رشته علوم تربیتی با ۲۷ در صد در رتبه اول، پس از آن محققین کارآفرینی (۱۹۱ درصد) و برنامه ریزی درسی ۱۱ درصد) و سپس، سایر رشته ها قرار دارند. نکته قابل توجه در این بخش از پژوهش، تنوع رشته های پژوهشی در حوزه مطالعات کارآفرینی است که تاییدی بر میان رشته ای بودن این حوزه پژوهشی و توجه رشته هایی نظیر مهندسی کشاورزی و فناوری به این مقوله است (جدول ۲).

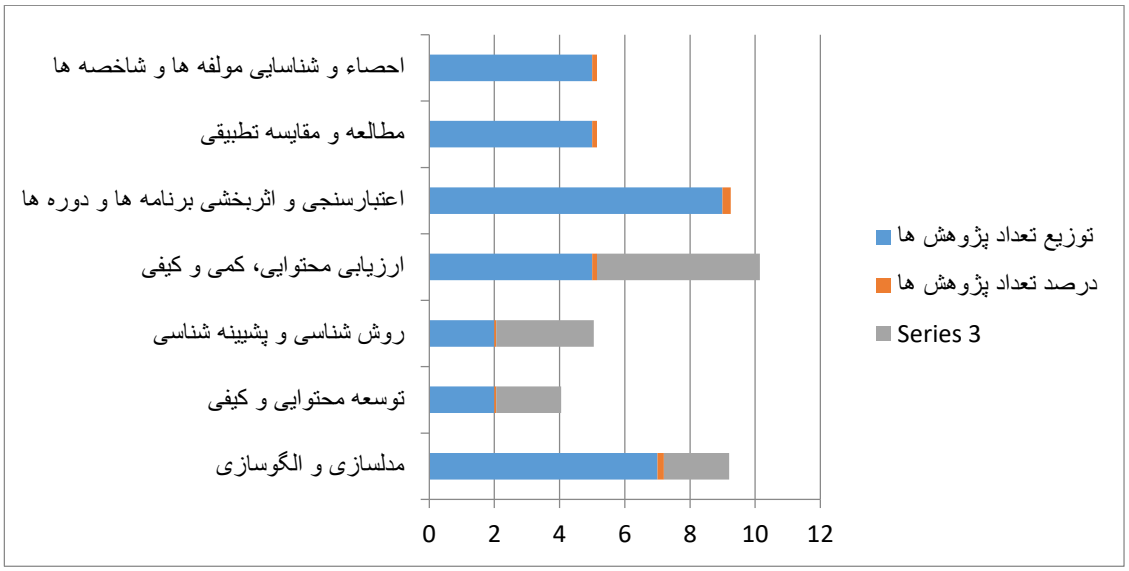
جدول۲. توزیع وضعیت نویسندگان آثار بر حسب رشته تحصیلی پژوهشگران

رشته تحصیلی	مدیریت آموزشی	کارآفرینی	برنامه‌ریزی درسی	مهندسی کشاورزی و فناوری	مشاوره	مدیریت، اقتصاد و حسابداری	جغرافیا و علوم اجتماعی و آمار	مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی	جمع کل
فراوانی	۲۱	۱۹	۱۱	۹	۸	۵	۴	۳	۸۰

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

درصد	٪۲۷	٪۲۴	٪۱۴	٪۱۱	٪۱۰	٪۶	٪۵	٪۴	٪۱۰۰

از نظر موضوعات محوری و مبانی نظری، پژوهش ها به ۷ گروه قابل تفکیک است. تعداد پژوهش های مرتبط با هر محور به شرح شکل ۲ است. بیشترین فراوانی مربوط به پژوهش های مرتبط با اعتبارسنجی و اثربخشی برنامه ها و دوره های آموزش شغلی کارآفرینانه بوده است. سایر محورهای نظری در شکل مشخص است.



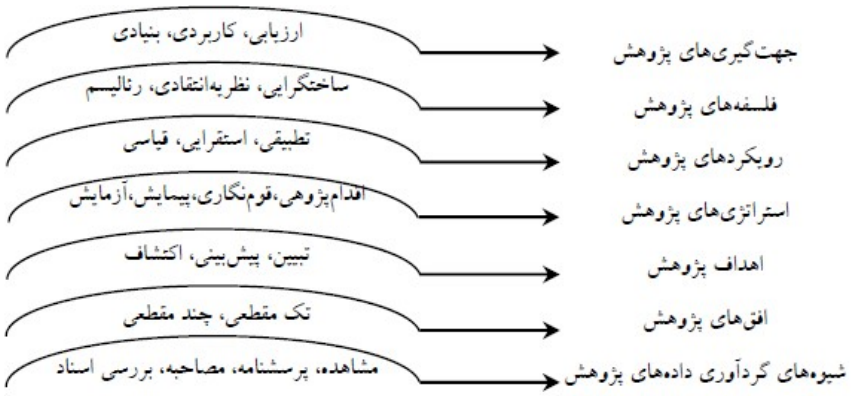
شکل ۲. توزیع پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر موضوعات محوری و هسته پژوهشی

در یک نگاه کلی به شکل فوق، می توان تمامی ۷ محور شناسایی شده در پژوهش های مرتبط با آموزش کارآفرینی را درسه دسته کلی طبقه بندی کرد.

دسته اول به پژوهش هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آنها، الگوسازی و مدلسازی برنامه ها دوره های آموزش شغلی کارآفرینانه می باشد که عمدتا به دنبال ایجاد و طراحی الگوهای نوین و کارآمد در بخش های آموزشی و دانشگاهی می باشد.. دسته دوم به پژوهش هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آنها، ارزیابی، اعتبارسنجی و اثربخشی برنامه ها و دوره های آموزشی شغلی کارآفرینانه در متن سیستم آموزش رسمی و غیر رسمی است. نهایتا دسته سوم به توسعه دانش و احصا و شناسایی مولفه ها و شاخصه های آموزش شغلی کارآفرینانه اختصاص دارد.

در بخش دوم، پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینانه با توجه به روش شناسی انجام پژوهش تحلیل میشوند. از آنجا که پژوهش ها از نظر ماهیت موضوع، سوالات و اهداف، عوامل و متغیرهای موثر بر مولفه ها، شاخصه ها و ... با یکدیگر متفاوتند، بدیهی است که پارادایم، استراتژی و روش تحقیق متناسب و خاص خود را داشته باشند. فراتحلیل انجام گرفته در این بخش، مبتنی بر چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات است که اصطلاحا به پیاز پژوهش معروف بوده و توسط ساندرز و همکاران (۲۰۰۹) ارائه شده است.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]



شکل ۳. پیاز فرایند پژوهش (اقتباس از دانایی فرد و همکاران. ۱۳۹۴)

با توجه به چارچوب تحلیل ارائه شده در شکل ۳. سطح اول تحلیل روش شناسی به ارزیابی جهت گیری پژوهش ها اختصاص دارد که شامل تحقیقات کاربردی، بنیادی، توسعه ای و ارزیابی ارزشیابی) و ترکیبی (ترکیبی از متدها) می باشند. نتایج نشان می دهد ۳۷ درصد از مطالعات انجام شده در حوزه آموزش کارآفرینی از نوع پژوهش های کاربردی می باشند. پس از آن پژوهش های توسعه ای و ترکیبی هر کدام با ۲۳ و ۲۸ درصد و در انتها پژوهش های بنیادی و ارزشیابی با ۶ درصد قرار دارند.

جدول ۳. توزیع وضعیت آثار برحسب جهت گیری پژوهش

جهت گیری پژوهش	کاربردی	توسعه ای	بنیادی	ارزشیابی	ترکیبی	جمع کل
فراوانی	۱۳	۸	۲	۲	۱۰	۳۵
درصد	٪۳۷	٪۲۳	٪۶	٪۶	٪۲۸	٪۱۰۰

سطح دوم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی فلسفه پژوهش ها اختصاص دارد با توجه به جدول ۴، پژوهش هایی که تحت فلسفه ساخت گرایی انجام شده اند، بیشترین تعداد تحقیقات را به خود اختصاص داده و در رتبه بعد، پژوهش های اثبات گرایی قرار دارد. پژوهش های انتقادی و فرا اثبات گرایی نیز در رتبه های بعدی می باشند.

جدول ۴. توزیع وضعیت آثار برحسب فلسفه پژوهش

فلسفه پژوهش	ساختگرایی- تفسیری	اثبات گرایی	انتقادی	فرااثبات گرایی	جمع کل
فراوانی	۱۳	۱۲	۶	۴	۳۵
درصد	٪۳۷	٪۳۴	٪۱۷	٪۱۱	٪۱۰۰

سطح سوم چارچوب تحلیل روش شناسی به ارزیابی رویکردهای پژوهشی مرتبط است. با توجه به جدول ۵، بیشترین رویکرد استفاده شده در پژوهش ها به رویکرد استقرایی–قیاسی اختصاص دارد و پس از آن، رویکردهای استقرایی، تطبیقی و قیاسی قرار دارند.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

جدول ۵. توزیع آثار برحسب رویکردهای پژوهش

رویکردهای پژوهش	استقرایی- قیاسی	استقرایی	تطبیقی	قیاسی	جمع کل
فراوانی	۱۵	۱۳	۵	۲	۳۵
درصد	٪۴۳	٪۳۷	٪۱۴	٪۶	٪۱۰۰

سطح چهارم چارچوب تحلیل روش شناسی، ارزیابی روش پژوهش است که شامل تحقیقات کمی، کیفی و آمیخته است (جدول ۶). نتایج نشان می دهد بیشتر پژوهش ها از نوع کمی، پس از آن، پژوهش های کیفی و در نهایت پژوهش هایی قرار دارند که با روش آمیخته انجام شده اند.

جدول۶. توزیع وضعیت آثار برحسب روش پژوهش

روش پژوهش	کمی و توصیفی	کیفی و تحلیلی	آمیخته و ترکیبی	جمع کل
فراوانی	۱۵	۱۳	۷	۳۵
درصد	٪۴۳	٪۳۷	۲۰	٪۱۰۰

سطح پنجم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات، تحلیل استراتژی پژوهش است که شامل مطالعه موردی، اقدام پژوهی، قوم نگاری، تاریخی، داده بیاد، تجربی و آزمایشی، همبستگی و پیمایش می شود (جدول ۷). یافته ها نشان می دهد که در پژوهش های آموزش کارآفرینی بیشتر از روش پیمایش استفاده شده و پس از آن، روش های داده ، همبستگی ، مطالعه موردی و آزمایش استفاده شده است.

جدل ۷. توزیع وضعیت آثار برحسب استراتژی پژوهش

استراتژی‌پژوهش	پیمایش	همبستگی	مطالعه‌موردی	آزمایش	داده بنیاد	اقدام‌پژوهی	سایر موارد	جمع کل
فراوانی	۸	۶	۶	۵	۵	۲	۳	۳۵
درصد	٪۲۳	٪۱۷	٪۱۷	٪۱۴	٪۱۴	٪۶	٪۸	٪۱۰۰

سطح ششم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات، اهداف پژوهش را بررسی می کند. همانطور که در جدول ۸ مشخص است، بیشتر پژوهش ها با هدف توصیف و اکتشاف شرایط انجام شده و سپس اهداف تبیین و پیش بینی، توصیف و اکتشاف قرار دارند.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

جدول ۸. توزیع وضعیت آثار برحسب اهداف پژوهش

اهداف پژوهش	توصیفی - اکتشافی	تبیین و پیش‌بینی	توصیف	اکتشاف	جمع کل
فراوانی	۱۵	۹	۹	۲	۳۵
درصد	٪۴۳	٪۲۶	٪۲۶	٪۵	٪۱۰۰

سطح هفتم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی افق پژوهش اختصاص دارد. در مجموع پژوهش ها در افق های پژوهشی تک مقطعی و یا چند مقطعی انجام می شوند (جدول ۱). یافته ها نشان می دهد که پژوهش های حوزه آموزش کارآفرینی تماما در افق تک مقطعی انجام شده و تحقیقاتی در افق پژوهشی چند مقطعی صورت نگرفته و در طول زمان به انجام نرسیده است.

جدول ۹. توزیع وضعیت آثار بر اساس افق پژوهش

افق پژوهش	تک مقطعی	چند مقطعی	جمع کل
فراوانی	۳۵	۰	۳۵
درصد	٪۱۰۰	٪۰	٪۱۰۰

سطح هشتم از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی شیوه های گرد آوری داده های پژوهشی اختصاص دارد که نتایج آن به شرح جدول ۱۰ است.

جدول۱۰. توزیع وضعیت آثار برحسب شیوه گرداوری داده ها

شیوه گردآوری داده ها	بررسی اسناد و مدارک	ترکیب روشها	پرسشنامه	مصاحبه	جمع کل
فراوانی	۱۴	۱۱	۸	۲	۳۵
درصد	۴۰	۳۱	۲۳	۶	٪۱۰۰

نهمین سطح از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی شیوه های گرد آوری داده های پژوهشی اختصاص دارد که نتایج آن به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۱. توزیع وضعیت آثار برحسب شیوه های گرداوری داده های پژوهش

شیوه گردآوری داده ها	بررسی اسناد و مدارک	ترکیب روش‌ها	پرسشنامه	مصاحبه	جمع کل
فراوانی	۱۴	۱۱	۸	۲	۳۵
درصد	٪۴۰	٪۳۱	٪۲۳	٪۵	٪۱۰۰

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

دهمین سطح از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به شهر یا استان محل انجام پژوهش پرداخته است. جدول ۱۱ نشان میدهند ۵۷ درصد از تحقیقات صوت پذیرفته در استان استان تهران صورت پذیرفته است و سهم دیگر استا ها فقط ۴۳ درصد بوده است. نتیجتا تمرکز اصلی پژوهش ها در استان تهران بوده است.

جدول ۱۲. توزیع وضعیت آثار برحسب شهر یا استان محل انجام پژوهش

استان محل انجام پژوهش	تهران	دیگر استان ها	جمع کل
فراوانی	۲۰	۱۵	۳۵
درصد	٪۵۷	٪۴۳	٪۱۰۰

یازدهمین و آخرین سطح نیز به توزیع وضعیت نوع دانشگاه ها (دولتی، آزاد، پیام نور، غیرانتفاعی و دیگر انواع دانشگاه ها پرداخته است. توزیع جدول نشان دهنده بازده بالای تحقیقاتی دانشگاه های دولتی با نرخ ۶۳ درصدی نسبت به سایر انواع دانشگاه هاست. دانشگاه آزاد در دومین رتبه بازدهی تحقیقاتی با نرخ ۲۶ درصد نسبت به پیام نور و سایر است.

جدول ۱۳. توزیع وضعیت آثار برحسب نوع دانشگاه های انجام دهنده پژوهش.

نوع دانشگاه پذیرنده دانشجو	دولتی	آزاد	پیام نور	دیگر انواع دانشگاه ها	جمع کل
فراوانی	۲۲	۹	۲	۲	۳۵
درصد	٪۶۳	٪۲۶	٪۵	٪۵	٪۱۰۰

ج: یافته های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه

بخش سوم به ارائه یافته های رویکردی در تحقیقات حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه اختصاص دارد. فراتحلیل انجام شده در این بخش مبتنی بر چارچوب کلی تحلیل رویکردها و روندها است که توسط ذاکر صالحی و قانعی راد ارائه شده است. این چارچوب شامل بررسی موضوعات هفت گانه ای است که عبارتند از روشهای توصیه رویکرد، محتوای رویکردی، پشتوانه رویکردی، زمینه رویکردها و راهکارها، نوع تغییر رویکردی، افق زمانی و سطوح رویکردی.

موضوع اول به بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر توصیه رویکردی اختصاص دارد. این رویکردها را می توان بر حسب سه دسته کلی بررسی کرد. در ادامه، هر یک از روش های دسته بندی به همراه جزئیات، مولفه ها و مبنای تئوریک آن تشریح و نتایج تحلیل داده ها در هر یک از رویکردها ارائه می شود

دسته بندی اول، به ارائه توصیه های رویکردی در قالب عوامل نهادی رسمی و غیر رسمی اشاره دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش آلوارز و همکاران (۲۰۱۱) است که راه کارهای رویکردی را به عوامل نهادی رسمی (نظیر عوامل مالی، خط مشی های دولت، زیر ساخت های تجاری، خدماتی و فیزیکی، حقوق مالکیت معنوی و ...) و غیررسمی (نظیر آموزش، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، فرصت ها و توانایی های راه اندازی کسب و کار، تصویر اجتماعی کارآفرین، گرایش به نوآوری و ...) تفکیک کرده است. با توجه به این رویکرد، ۲۴ درصد پژوهش ها در عوامل نهادی رسمی، ۲۵ درصد در عوامل نهادی غیررسمی، ۲۲ درصد در ترکیب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی توصیه هایی داشته اند. ۲۹ درصد از پژوهش ها نیز توصیه های سیاسی در قالب عوامل نهادی ارائه نکرده اند

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

دسته بندی دوم، به ارائه توصیه های رویکردی اثرگذار بر ایجاد فرصت ها، انگیزه ها و مهارت ها توانایی ها توجه دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش لند ستروم و استیون سون (۲۰۰۵) است که توصیه های رویکردی را برای کار آفرینی در کشورها را به عوامل انگیزشی (نظیر هوشیاری کارآفرینانه توزیع اطلاعات، الگوی نقش)، فرصت (نظیر سهولت ورود و خروج، کاهش موانع راه انـدازی و رشـد، رقابـت، قوانین ورشکستگی، انعطاف پذیری بازار کار و مهارت (آموزش کارآفرینی، یـادگیری اسـتفاده از دانـش، تخصـص در کسـب و کارهـای مخاطره آمیز، شبکه های همتایان) تفکیک کرده است. با توجه به این رویکرد، ۱۴ درصد از راه کارها به توسعه فرصت ها، ۱۱ درصد بـه توسعه مهارت ها و ۶ درصد به توسعه انگیزه ها توجه داشته اند. همچنین ۳۸ درصد از پژوهش ها، ترکیبی از راهکارهای توسعه فرصـت، مهارت و انگیزش را در نظر گرفته و ۳۱ درصد از پژوهش ها نیز توصیه های رویکردی در قالب این عوامل ارائه نکرده اند.

دسته بندی سوم، به ارائه توصیه های رویکردی در قالب تقویت سمت عرضه با تقاضای کارآفرینی اختصاص دارد. این رویکرد مبتنی بر پژوهش ورهال و همکاران (۲۰۰۱) است. سمت تقاضای فرصت هایی از راه تقاضای بازار برای برنامه ها و محصولات ایجاد می کند و به واسطه عواملی مانند توسعه فناورانه، تقاضای مصرف کنندگان، ساختار اقتصاد و ... تحت تاثیر قرار می گیرد. سمت عرضـه نیـز تحـت تأثیر عواملی همچون ساختار جمعیتی، تراکم جمعیت، توانایی افراد و خصوصیات کارآفرینی آنها قرار می گیرد. با توجه به این رویکرد، ۳۵ درصد از پژوهش ها توصیه هایی در رابطه با بهبود سمت عرضه کارآفرینی، ۱۸ درصد به تقاضای کارآفرینی، ۱۵ درصد به هـر دو سـمت عرضه و تقاضا داشته اند. ۳۲ درصد پژوهش ها توصیه ای در این خصوص ارائه نکردند.

موضوع دوم در بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینامه از نظر محتوای رویکردی (ارائـه راهکـار و رونـدها) اسـت. برای بررسی این موضوع، الگوی جامع سیاست گذاری کارآفرینی که توسط آنکتاد ارائه شده، در نظر گرفته شـده کـه شـامل ۵ شـاخص بهینه سازی محیط آموزشی، بهبود دسترسی به منابع مالی، ارتقای آموزش و مهارت های کارآفرینی، تسهیل انتقال فناوری و نـوآوری در آموزش، ترویج هوشیاری و شبکه سازی کارآفرینانه است. ۸ درصد از پژوهش ها به موضوعات مـالی، ۲۳ درصـد بـه ارتقـای آمـوزش و مهارت، ۷ درصد پژوهش ها به هر یک از موضوعات بهینه سازی محیط آموزشی، تسهیل انتقال فناوری و نـوآوری، تـرویج هوشـیاری و شبکه سازی کارآفرینی، ۳۸ درصد به ترکیبی از موضوعات فوق و ۲۳ درصد پژوهش ها به هیچکدام از موضوعات اشاره ای نداشتند.

موضوع سوم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر پشـتوانه سیاسـتی جامعـه پـژوهش اسـت. منظـور از پشتوانه سیاستی، پشتوانه نظری و فکری یا تجربی برای ارائه راهکارها و رویکردها است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۶۸ درصـد از سیاست ها و راهکارهای بیان شده در آثار تحت بررسی از پشتوانه نظری و فکری و ۳۲ درصد نیز از پشتوانه تجربی برخوردار بوده اند.

موضوع چهارم، بررسی پژوهش ها از نظر زمینه رویه ها و راه کارها است. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۷۲ درصد از رویـه هـا و راهکارها، تک زمینه ای و ۲۸ درصد چند زمینه ای بوده است.

موضوع پنجم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر نوع تغییر رویکردی است و اشاره به این دارد کـه راه کارها و سیاستها، نظر به تغییر ساختارها دارند یا رفتارها و کارکردها. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۳۷ درصد از سیاست ها و راهکارها به تغییرات ساختاری، ۲۸ درصد به تغییرات رفتاری کارکردی و ۳۵ درصد سیاست ها و راه کارها نیز به هر دو وجه از تغییرات ساختاری و تغییرات رفتاری کارکردی توجه دارند.

موضوع ششم، بررسی پژوهش های رویکردی آموزش شغلی کارآفرینانه از نظر افق زمانی تغییرات پیشنهادی است. تحلیـل داده هـا نشان می دهد که ۴۲ در صد از توصیه های رویکردی در افق زمانی کوتاه مدت، ۳۵ درصد در افق زمانی میان مدت و ۲۳ درصد در افق زمانی بلند مدت قرار دارند.

موضوع هفتم نیز بررسی پژوهش ها از نظر سطوح رویکردی است که رویکرد ها را در سه سطح ملی و فرابخشی، بخشی و فـردی- سازمانی ارائه می کند. تحلیل داده ها نشان می دهد که ۳۴ در صد از رویکردها و راه کارهـا در سـطح ملـی و فرابخشـی، ۵۲ در صـد از رویکرد ها و راهکارها در سطح بخشی و ۱۴ درصد از رویکرد ها و راه کارها در سطح فردی سازمانی پیشنهاد شده است.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

جدول ۱۱. تحلیل کلی یافته های آموزش شغلی کارآفرینانه

ردیف	متغیرهای تحلیلی	مقوله های تحلیلی	فراوانی	درصد
۱	سطح رویکردی ۱	عوامل نهادی رسمی	۸	۲۴
		عوامل نهادی غیررسمی	۹	۲۵
		ترکیبی از عوامل نهادی رسمی و غیررسمی	۷	۲۲
		هیچ کدام	۱۰	۲۹
		جمع	۳۵	۱۰۰
۲	سطح رویکردی ۲	توسعه فرصت ها	۵	۱۴
		توسعه انگیزه ها	۳	۱۱
		توسعه مهارت ها	۲	۶
		ترکیبی از فرصت ها و انگیزه ها و مهارتها	۱۳	۳۸
		هیچکدام	۱۱	۳۱
		جمع	۳۵	۱۰۰
۳	سطح رویکردی ۳	عوامل سمت عرضه کارآفرینی شغلی	۱۲	۳۵
		عوامل سمت تقاضای کارآفرینی شغلی	۶	۱۸
		ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای کارآفرینی شغلی	۵	۱۵
		هیچکدام	۱۱	۳۲
		جمع	۳۵	۱۰۰
۴	محتوای رویکردی	بهینه سازی محیط آموزشی	۴	۷
		بهینه سازی دسترسی به منابع مالی	۴	۸
		ارتقای مولفه های آموزشی و مهارتهای کارآفرینی	۷	۲۳
		ترکیب عوامل مذکور	۱۱	۳۸
		هیچکدام	۸	۲۴
		جمع	۳۵	۱۰۰
۵	پشتوانه رویکردی	پشتوانه نظری و فکری آموزش شغلی	۲۴	۶۸
		پشتوانه تجربی برنامه ها و دوره های آموزشی	۱۱	۳۲

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

		جمع	۳۵	۱۰۰
۶	زمینه رویکردها و راهکارها	تک زمینه ای	۲۵	۷۲
		چندزمینه ای	۱۰	۲۸
		جمع	۳۵	۱۰۰
۷	نوع تغییر رویکردی	تغییر ساختارها و چارچوب ها	۱۳	۳۷
		تغییر رفتارها و کارکردها	۱۰	۲۸
		ترکیب عوامل تغییرساختارها، رفتارها و کارکردها	۱۲	۳۵
		جمع	۳۵	۱۰۰
۸	افق زمانی	کوتاه مدت	۱۵	۴۲
		میان مدت	۱۲	۳۵
		بلندمدت	۸	۲۳
		جمع	۳۵	۱۰۰
۹	سطوح رویکردی	سطح ملی و فرابخشی	۱۲	۳۴
		سطح بخشی و استانی	۱۸	۵۲
		سطح فردی سازمانی	۵	۱۴
		جمع	۳۵	۱۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مطالعات آموزش شغلی کارآفرینامه در ایران انجام شده است. بدین منظور از تکنیک فراتحلیل و مرور سیستماتیک متون پژوهشی استفاده شده، فلسفه و روش شناسی، محتوا و دانش و الگوهای موجود از جنبه های مختلف بررسی و تحلیل شدند. در ادامه چشم اندازهایی در قالب پیشنهادها و توصیه های رویکردی ارائه می شوند.

با توجه به اینکه اثرگذاری آموزش های شغلی کارآفرینانه بین تمام افراد جامعه و گروه های مختلف از لحاظ سطح تحصیلات، پایگاه و طبقه اجتماعی، سطح و مکان فعالیت و ....متفاوت است. توصیه می شود پژوهش های این حوزه معطوف به تمام سطوح و حوزه هـای جامعه باشد. چرا که علم کارآفرینی و آموزش شغلی و حرفه ای مبتنی بر آن، از نوع میان رشته ای بوده و نیازمند در نظر گـرفتن جوانـب مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قانونی، فناوری و سیاسی است. و از طرفی دیگر، بخش قابل توجهی از فعالیت های کارآفرینانه در جامعه توسط گروه های اقلیت از جمله زنان، مهاجران، جوانان، اقلیت های دینی و مذهبی، معلولین و ... انجام می شود در حالیکه برنامـه های آموزشی قابل توجهی برای این گروه ها تنظیم نشده و به تبعیت از آن، پژوهش هایی که به طور خاص به این افراد پرداخته باشـند بسیار کم و محدود است. به عنوان نمونه، زنان نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می دهند در حالیکه برنامه های آموزشـی کـه بـه طور منسجم و مشخص به آموزش شغلی کارآفرینی زنان پرداخته باشند، وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می شود سیاست گذاران و محققان و برنامه ریزان آموزشی به طیفی گسترده از گروه های مختلف توجه داشته باشند.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

نکته قابل توجه در تحقیقات آموزش شغلی کارآفرینانه در کشورمان، انجام تحقیقات با تخصص های متنوع و به صورت تیمی و گروهی و همچنین محورهای موضوعی متنوع است. تنوع رشته ها در پژوهش های حوزه آموزش شغلی کارآفرینانه در میان رشته ای بودن این حوزه پژوهشی تاکید دارد و انجام تحقیقات به صورت تیمی و گروهی در محورهای موضوعی متنوع، بر مشارکت هدفمند و متمرکز محققان که این مهم، نیازمند تایید و توسعه است.

در موضوعات مرتبط با روش شناسی تحقیقات پیشین، از نظر جهت گیری پژوهش، بیشتر پژوهش ها کاربردی بوده و تنها ۳ در صد آنها به ارزشیابی برنامه ها و دوره های آموزشی اختصاص داشته اند. این در حالی است که اهمیت ارزیابی آموزش شغلی بر کسی پوشیده نیست و بدون ارزیابی این فرآیند ناقص خواهد بود. بنابراین پیشنهاد می شود تحقیقات این حوزه به ارزیابی آموزشهای شغلی کارآفرینانه و نتایج برنامه های تدوین شده در اسناد کلان کشوری همچون برنامه ششم توسعه کشور، برنامه های اشتغال فراگیر و سند برنامه درسی ملی، قانون نظام جامع آموزش و ... بپردازند. با ارزیابی این برنامه ها می توان عملکرد تدوین کنندگان و اجرا کنندگان سیاست ها را پایش کرده و بازخوردهای مناسب ارائه کرد.

از نظر فلسفه پژوهش نیز بیشتر پژوهش ها در فضای اثبات گرایی و تفسیری بوده و کمتر پژوهشی با رویکرد فلسفه فرااثبات گرایی انجام شده است. با توجه به اهمیت ارزیابی و مطالعه فراتطبیقی در فرآیند آموزش شغلی، توصیه می شود پژوهش های بیشتری با فلسفه فرااثبات گرایی، به مطالعه کلان برنامه ها و دوره های آموزشی کارآفرینی انجام شوند..

از دیگر موضوعات قابل توجه در پژوهش های آموزش شغلی کارآفرینانه، افق پژوهشی است. عمده تحقیقات این حوزه به صورت تک مقطعی بوده اند و داده های مورد نیاز برای انجام پژوهش در یک مقطع زمانی گردآوری شده است. این در حالی است که آموزش شغلی، فرآیندی پویا است و پژوهش در این حوزه نیازمند انجام یک فرآیند طولی و چند مقطعی در گذر زمان است. هر چند انجام پژوهش هایی در طول زمان، نیازمند زمان، هزینه و طی کردن فرآیند پیچیده تری نسبت به تحقیقات مقطعی است اما از آنجا که آموزش شغلی یک فرآیند است و نتایج برنامه های منظم طراحی شده در طول زمان آشکار می شود. بنابراین انجام پژوهش های طولی و چند مقطعی برای تحلیل الگوها ضروری است.در رویکردهای آموزشی آنچه اهمیت دارد، نگاه نظام مند و همه جانبه است. بدیهی است آموزش شغلی کارآفرینی معطوف به در نظر گرفتن و رشد همه جانبه بخش ها و عوامل مختلف است و توجه به بخش خاص و بی توجهی به سایر بخش ها، نتیجه ای جز اتلاف زمان و سایر منابع نخواهد داشت.

در رویکردهای سه گانه بررسی شده نشان می دهد که در رویکرد اول، تنها ۲۲ درصد از تحقیقات، ترکیبی از عوامل نهادی و غیر نهادی را در نظر داشته و عوامل نهادی و غیر نهادی به تفکیک سهم قابل توجهی از درصد پژو هش ها را به خود اختصاص داده و تنها ۲۹ درصد از پژوهش ها هیچ محوری را در نظر نگرفته است. یا در رویکرد دوم، ۳۸ درصد از تحقیقات به ترکیبی از انگیزه ها، فرصت ها و مهارت ها توجه کرده اند. اما پژوهش هایی که هیچ رویکردی نداشته اند حدودا ۳۱ درصد بوده اند که نشان از بی توجهی به مولفه ها و شاخص های کارآفرینی در برنامه ها و دوره های آموزشی است. در رویکرد سوم نیز ۱۵ درصد از تحقیقات به ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای آموزش کارآفرینی توجه کرده اند و ۳۵ درصد به تنهایی به جنبه عرضه آموزش پرداخته اند و تقاضای آموزش کارافرینی ۱۸ درصد بوده که نشان از عدم تطابق عرضه و تقاضا است در بخش رویکرد ترکیبی، صرفا ۱۵ درصد دو عامل عرضه و تقاضای آموزش را پوشش داده است. و ۳۲ درصد نیز به هیچ مولفه عرضه و تقاضایی نپرداخته که نشان از ضعف حوزه پژوهشی تطبیق عرضه و تقاضاست و نیازمند انجام پژوهش گام به گام هر دوجنبه عرضه و تقاضای آموزش شغلی کارآفرینانه است.

سپاسگزاری

پژوهش از رساله دکتری پژوهشگر استخراج شده است. آقای دکترحسین عبدالهی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و دکتر جورج ایمبنزی (عضو هیات علمی دانشگاه ترینیتی وسترن کانادا) برای در اختیار گذاشتن نرم افزار جامع فراتحلیل و مشورت های ارزشمند در خور تقدیر ویژه اند.

منابع

آقا محمدی، جواد. (۱۳۹۸). توسعه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی: تحلیل محتوای کتاب کارگاه کارآفرینی و تولید دوره متوسطه نظری از منظر میزان انعکاس ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی. مجله راهبرد توسعه، ۵۷: ۱۸۳-۲۰۴.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]

احمدپور داریانی، محمود؛ عرفانیان، امیر، (۱۳۹۳). نقش و جایگاه کارآفرینی در نیل به رشد و توسعه اقتصادی، مجله اقتصادی، سال هفتم، شماره۶۹، ۵-۲۲.

اکبری، کرامت الله (۱۳۹۰). توسعه کارآفرینی. تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ چهارم.

پیکری فر، فاطمه.، و مه نگار، فرشاد. (۱۳۹۱). بررسی نقش دانشگاه ها در توسعه کارآفرینی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب , کارهای دانش بنیان. دانشگاه مازندران.

چهاربند، اسفندیار. (۱۳۹۱). الگوی برنامه درسی پودمانی بر پایه استاندارد شایستگی حرفه ای و تعلیم و تربیت استثنایی، ۹۱(۱۱۱) : ۶۶-۵۱.

حسین نژاد، مهدی. (۱۳۹۵). آموزش کارآفرینی، توسعه علمی، برنامه ای برای آینده، اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در علوم فنی و مهندسی.

حکمت اندیش، علی. (۱۳۹۳). مبانی کارآفرینی، انتشارات هشت کتاب ، قم.

خاتمی، علی و شاه حسینی، حامد. (۱۳۹۱). وضعیت شاخص های کارآفرینی در بین دانش آموزان شاخه های نظری، فنی و حرفه ای و کاردانش. فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، ۴(۱): ۳۲-۴۵.

دانایی فرد، حسن. روش شناسی تدوین خط مشی ملی کارآفرینی کش.ر، چارچوب مفهومی. فصلنامه توسعه کارآفرینی. سال ۸. شماره ۶

ذاکر صالحی، غلامرضا. قانعی راد،سیدمحمدامین. (۱۳۹۴). مرور نظام مند و فراتحلیل پژوهش های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری . فصلنامه مطالعات اجتماعی. ایران. دوره ۹. شماره ۲.

سلجوقی، خسرو. (۱۳۹۲). نقش آموزش های کارآفرینی در نظام های آموزشی و پرورشی ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران. نامه سیاست علم و فناوری، سال دوم، شماره ۲.

سمینار طرح کاد، ۱۳۶۳، مجله پیوند، شماره ۶۰.

صادقی فسایی، سهیلا و خادمی،عاطفه (۱۳۹۵). فراتحلیل پژوهش های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آمورش زنان. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۳۳.

مرادی، حوریه؛ شعبانعلی فمی، حسین؛ و کرمی، غلامحسین. (۱۳۹۰). نگاهی به ضرورت های توسعه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی. ماهنامه کارآفرین تاب، ۱۸: ۳۹.

نادری،احمد (۱۳۹۶). فراتحلیل مشارکت دانشجویان ایرانی، مطالعه اثربخشی عوامل تبیین کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی- اجتماعی و نهادی، فصلنامه مطالعات جامعه شناسی، دوره ۲۴، شماره ۲.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵). پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران. گزارش اول . شناخت وضع موجود مبتنی بر شاخصه های GEL . معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال.

Acs, Z. J., Szerb L. & Autio E. (2016). Enhancing Entrepreneurship Ecosystems. A Systems of Entrepreneurship. Approach to Entrepreneurship Policy. In: Global Entrepreneurship and Development Index 2015. Springer Briefs in Economics. Springer,Cham.

Audretsch, D. B. (2014). From the entrepreneurial university to the university for the entrepreneurial society. Journal of Technology Transfer, 39(3), 313.

[Downloaded from isoedmag.ir on 2026-10-30]